

مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان از واقعیت تا نیاز

محمدرضا وطن دوست^۱، مریم اقدامی^۲، مهتاب اسفندی^۲، زهرا حدادی^۲

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، اصفهان، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش پرورش ابتدایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، اصفهان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان، شناسایی فاصله میان وضعیت موجود و نیازهای واقعی آنان، و ارائه راهکارهایی برای ارتقای این مهارت ها در نظام آموزشی است. این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای مصاحبه های نیمه ساختاریافته با معلمان، مشاوران و دانش آموزان انجام شد. داده ها با نمونه گیری هدفمند گردآوری و با تحلیل مضمون بررسی شدند. نتایج نشان داد که بسیاری از دانش آموزان در مهارت های شناختی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و تصمیم گیری ضعف دارند. همچنین، مهارت های اجتماعی مانند همکاری، همدلی و ارتباط مؤثر نیز به طور مطلوب توسعه نیافته است. شکاف قابل توجهی میان مهارت های فعلی دانش آموزان و نیازهای مورد انتظار جامعه و بازار کار مشاهده شد. برای پر کردن این شکاف، بازنگری در برنامه های درسی، تقویت آموزش مهارت های نرم و فراهم سازی فرصت های عملی برای تمرین مهارت های اجتماعی و شناختی ضروری است. مشارکت فعال معلمان و خانواده ها و استفاده از رویکردهای نوین آموزشی می تواند به توسعه جامع تر این مهارت ها کمک کند.

واژه های کلیدی: مهارت های شناختی، مهارت های اجتماعی، دانش آموزان، نیازسنجی آموزشی، تحلیل کیفی

۱-مقدمه

مهارت‌های شناختی و اجتماعی نقش اساسی در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و پایه‌های موفقیت تحصیلی و اجتماعی آنان را شکل می‌دهند. مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌هایی مانند توجه، حافظه، تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند اطلاعات را بهتر پردازش کرده و مفاهیم پیچیده را درک کنند. این مهارت‌ها نه تنها در فضای آموزشی بلکه در مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره نیز اهمیت دارند و به تقویت توانایی‌های ذهنی و انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان کمک می‌کنند از سوی دیگر، مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، همدلی، ارتباط مؤثر و مدیریت هیجانات، زمینه‌ساز تعاملات مثبت و موفقیت در محیط‌های گروهی و اجتماعی هستند و به بهبود فضای یادگیری و افزایش انگیزه دانش‌آموزان کمک می‌کنند. با وجود اهمیت این مهارت‌ها، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شکاف قابل توجهی میان مهارت‌های فعلی دانش‌آموزان و نیازهای واقعی جامعه و بازار کار وجود دارد. این فاصله ناشی از عوامل مختلفی مانند کمبود آموزش‌های هدفمند، ضعف برنامه‌های درسی و کمبود فرصت‌های عملی برای تمرین مهارت‌هاست. بنابراین، ضرورت دارد که نظام آموزشی با بازنگری در برنامه‌ها و روش‌های تدریس، به توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای داشته باشد. (علاسوند، ۱۴۰۰).

مهارت‌های شناختی و اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان به شمار می‌آیند که نقش کلیدی در موفقیت تحصیلی، روانی و اجتماعی آنان دارند. مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، تصمیم‌گیری و تنظیم شناختی است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد اطلاعات را به‌صورت مؤثر پردازش کرده و در مواجهه با چالش‌ها راهکارهای مناسب بیابند. مهارت‌های اجتماعی نیز شامل ارتباط مؤثر، همدلی، همکاری، مدیریت تعارض و توانایی تعامل مثبت با دیگران است که به بهبود روابط بین فردی و ایجاد محیط یادگیری حمایتی کمک می‌کند. (طارمیان، ۱۴۰۲)

با وجود اهمیت این مهارت‌ها، مطالعات نشان می‌دهند که دانش‌آموزان در بسیاری از موارد از نظر مهارت‌های شناختی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و این امر ناشی از ضعف‌های موجود در نظام آموزشی، برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس است. به عنوان مثال، آموزش‌های رسمی اغلب بر انتقال دانش محض تمرکز دارند و کمتر به آموزش مهارت‌های نرم و اجتماعی توجه می‌شود. همچنین، فقدان فرصت‌های عملی برای تمرین این مهارت‌ها در محیط مدرسه و خانواده، باعث می‌شود که شکاف قابل توجهی میان مهارت‌های فعلی دانش‌آموزان و نیازهای واقعی جامعه و بازار کار شکل بگیرد. (طارمیان، ماهجویی، فتحی، ۱۴۰۲)

روش‌های متنوعی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان ارائه شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به آموزش از طریق مدل‌های رفتاری، یادگیری اجتماعی بر اساس مشاهده و تقلید، نقش‌آفرینی، داستان‌گویی و آموزش مستقیم اشاره کرد. این روش‌ها بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و یادگیری رفتاری طراحی شده‌اند و اثربخشی آن‌ها در بهبود مهارت‌های اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان به اثبات رسیده است. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین مانند بازی‌های آموزشی و شبیه‌سازی‌های تعاملی می‌تواند فرآیند یادگیری مهارت‌های شناختی و اجتماعی را تسهیل کند. (شیرزاد کبریا، ۱۴۰۲)

تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که محیط خانواده و بازخورد والدین نقش مهمی در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی کودکان دارد. محیط غنی از سواد و حمایت والدین می‌تواند به افزایش مهارت‌های اولیه شناختی و کاهش مشکلات تحصیلی کمک

کند. این موضوع اهمیت توجه به آموزش والدین و فراهم‌سازی محیط‌های حمایتی در خانه را برجسته می‌سازد. (شعاری نژاد، ۱۳۹۷)

در نهایت، توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که علاوه بر برنامه‌های درسی آشکار، به برنامه درسی پنهان و کارکردهای محیط مدرسه، خانواده و جامعه نیز توجه کند. بازنگری در نظام آموزشی، آموزش معلمان، طراحی فعالیت‌های عملی و مشارکتی، و استفاده از روش‌های نوین آموزشی از جمله راهکارهای کلیدی برای کاهش فاصله میان واقعیت موجود و نیازهای آموزشی دانش‌آموزان است. هدف اصلی این مقاله، بررسی وضعیت موجود مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان، شناسایی فاصله میان واقعیت و نیازهای آموزشی و ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای این مهارت‌ها است. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از: وضعیت فعلی مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان چگونه است؟ چه شکاف‌هایی میان مهارت‌های موجود و نیازهای واقعی وجود دارد؟ و چه راهکارهایی می‌تواند این شکاف را کاهش دهد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای بررسی جامع مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان، لازم است جوانب مختلف این دو حوزه به دقت تحلیل و ارزیابی شود. مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌هایی مانند توجه، حافظه، حل مسئله، تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری است که پایه‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی را تشکیل می‌دهند. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا اطلاعات را به شیوه‌ای مؤثر پردازش کرده و در موقعیت‌های مختلف زندگی و تحصیل، انتخاب‌های بهتری داشته باشند. تقویت مهارت‌های شناختی به ویژه در کودکان با نیازهای ویژه اهمیت بیشتری دارد و روش‌های تخصصی مانند گفتاردرمانی، کاردرمانی، رفتاردرمانی و بازیدرمانی در این زمینه کاربرد دارند.

از سوی دیگر، مهارت‌های اجتماعی شامل توانایی‌هایی مانند ارتباط مؤثر، همدلی، همکاری، مدیریت هیجانات و حل تعارض است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد در محیط‌های گروهی و اجتماعی به خوبی عمل کنند و روابط مثبت برقرار نمایند. (شفیع آبادی، ۱۳۹۹)

آموزش این مهارت‌ها می‌تواند از طریق روش‌های مختلفی مانند بازی درمانی، آموزش ذهن‌آگاهی، داستان‌درمانی و فعالیت‌های مشارکتی انجام شود و اثربخشی آن در بهبود عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان به اثبات رسیده است.

برای تحلیل دقیق‌تر، ارزیابی شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان از طریق روش‌های متنوعی مانند تست‌های استاندارد (مانند آزمون‌های WISC و WPPSI) مصاحبه، مشاهده و ارزیابی هم‌تا انجام می‌شود که این ارزیابی‌ها به شناسایی نقاط قوت و ضعف شناختی و اجتماعی کمک کرده و مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی هدفمند قرار می‌گیرند. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های شناختی-اجتماعی می‌تواند به کاهش باورهای نامعقول و رفتارهای پرخطر در نوجوانان کمک کند و از این رو، ترکیب آموزش شناختی و عاطفی رفتاری در برنامه‌های آموزشی توصیه می‌شود. در نهایت، بررسی جوانب کار باید شامل تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌ها، نقش محیط مدرسه و خانواده، روش‌های آموزشی مؤثر، و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشد. توجه به این ابعاد امکان ارائه راهکارهای جامع و کاربردی برای ارتقای مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و می‌تواند به کاهش شکاف میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی کمک نماید. (شفیع آبادی، ۱۳۹۹)

۲-۱- تعریف مهارت‌های شناختی و اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی به مجموعه رفتارها و توانایی‌هایی گفته می‌شود که افراد برای برقراری ارتباط مؤثر و تعامل سازنده با دیگران به کار می‌برند. این مهارت‌ها شامل ارتباط کلامی و غیرکلامی، همدلی، حل تعارض، گوش دادن فعال، خودتنظیمی و عملکرد اجرایی است که در فرآیند رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان نقش حیاتی دارند مهارت‌های اجتماعی آموختنی هستند و تحت تأثیر عوامل محیطی، فرهنگی و آموزشی شکل می‌گیرند؛ به‌طوری که نارسایی در این مهارت‌ها می‌تواند به بروز مشکلات روان‌شناختی و رفتاری منجر شود و سازگاری فرد را با محیط کاهش دهد. (سرخابی یمینی دوزی، ۱۳۷۱)

از دیدگاه نظری، مدل‌های مختلفی برای تبیین مهارت‌های اجتماعی ارائه شده است. نظریه اریکسون بر اهمیت مراحل رشد روانی-اجتماعی تأکید دارد که در آن کسب مهارت‌های اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت و سازگاری فرد ایفا می‌کند. نظریه سالیوان نیز تعاملات متقابل میان افراد را محور رشد اجتماعی می‌داند و بر نقش محیط اجتماعی در توسعه مهارت‌ها تأکید دارد. ویگوتسکی با تأکید بر نقش محیط و تعاملات اجتماعی، یادگیری مهارت‌ها را فرایندی اجتماعی-فرهنگی می‌داند که از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. مهارت‌های شناختی نیز شامل توانایی‌های ذهنی مانند توجه، حافظه، تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند اطلاعات را به‌صورت مؤثر پردازش و تحلیل کنند. این مهارت‌ها پایه‌های اصلی یادگیری و موفقیت تحصیلی به شمار می‌روند و توسعه آن‌ها نیازمند آموزش هدفمند و فراهم‌سازی فرصت‌های عملی برای تمرین است. (شعاری نژاد، ۱۳۹۷)

۲-۲- نقش نظام آموزشی و برنامه درسی آشکار و پنهان در شکل‌گیری این مهارت‌ها

نظام آموزشی و برنامه درسی، چه در قالب برنامه درسی آشکار و چه در قالب برنامه درسی پنهان، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. برنامه درسی آشکار شامل محتوای رسمی و اهداف آموزشی است که به صورت مستقیم در کلاس درس ارائه می‌شود و مهارت‌های شناختی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری را هدف قرار می‌دهد. همچنین، آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق فعالیت‌های گروهی، بحث‌های کلاسی و برنامه‌های ویژه درسی در این بخش گنجانده می‌شود. استفاده از روش‌های نوین تدریس مانند ایفای نقش، یادگیری مشارکتی و آموزش مهارت‌های زندگی، اثربخشی آموزش این مهارت‌ها را افزایش می‌دهد. (شفیع آبادی، ۱۳۹۹)

از سوی دیگر، برنامه درسی پنهان که شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، ساختارهای اجتماعی مدرسه، روابط بین معلمان و دانش‌آموزان و جو مدرسه است، به شکل غیرمستقیم اما بسیار مؤثر در توسعه مهارت‌های اجتماعی نقش دارد. این برنامه پنهان محیطی فراهم می‌کند که در آن دانش‌آموزان می‌آموزند چگونه با دیگران تعامل کنند، همدلی داشته باشند، همکاری کنند و رفتارهای مسئولانه از خود نشان دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که جو مدرسه، رفتار معلمان به عنوان الگوهای رفتاری و تعاملات همسالان، بخش مهمی از فرآیند شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی هستند (سرخابی یمینی دوزی، ۱۳۷۱).

معلمان نیز به عنوان عامل کلیدی در این نظام، نقش راهنمایی و تسهیل‌گری در توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دارند. آن‌ها با ایجاد فضای امن و حمایتگر، تشویق به همکاری، تقویت همدلی و ارائه فرصت‌های عملی برای تمرین مهارت‌ها، به پرورش دانش‌آموزانی با مهارت‌های اجتماعی قوی کمک می‌کنند. همچنین، معلمان با به‌کارگیری روش‌های فعال و مشارکتی، می‌توانند مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان را تقویت کنند و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های تحصیلی و اجتماعی آماده سازند.

در مجموع، نظام آموزشی با اتخاذ رویکردی جامع و یکپارچه که هم برنامه درسی آشکار و هم برنامه درسی پنهان را در بر می گیرد، می تواند به طور مؤثر در شکل گیری و توسعه مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان نقش آفرینی کند و از بروز آسیب های اجتماعی پیشگیری نماید. (رضایی، ملک پور و عریضی، ۱۳۹۸)

۲-۳-۲- ابعاد و مولفه های مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان

۲-۳-۱- مهارت های شناختی

مهارت های شناختی مجموعه ای از توانایی ها و فرآیندهای ذهنی هستند که به فرد در درک، پردازش، تحلیل و استفاده از اطلاعات کمک می کنند. این مهارت ها شامل موارد زیر است:

حافظه: توانایی ذخیره و بازیابی اطلاعات در ذهن.

تمرکز: قابلیت متمرکز شدن بر یک فعالیت خاص و نادیده گرفتن عوامل مزاحم.

تفکر منطقی و انتقادی: توانایی استدلال بر اساس دلایل منطقی و تحلیل مسائل.

حل مسئله: توانایی یافتن راه حل های مناسب برای مشکلات مختلف.

خلاقیت: تولید ایده های نو و راه حل های غیرمعمول.

انعطاف پذیری شناختی: قابلیت تطبیق با شرایط و تغییرات جدید.

انتقادپذیری: آمادگی برای پذیرش و یادگیری از بازخوردها و نقدهای سازنده. (دهستانی، ۱۴۰۲).

۲-۳-۲- مهارت های اجتماعی

مهارت های اجتماعی رفتارها و توانایی هایی هستند که تعامل مؤثر با دیگران را ممکن می سازند. این مهارت ها دارای ابعاد و مولفه های متعددی هستند که به صورت کلی می توان آن ها را این گونه دسته بندی کرد:

مهارت های ارتباطی: شامل مهارت های کلامی و غیرکلامی مانند گفتار، زبان بدن، گوش دادن فعال و برقراری ارتباط با دیگران.

مهارت های جرات ورزی: توانایی بیان نیازها، گفتن «نه»، بیان احساسات و عقاید، پذیرش انتقاد و ابراز خشم به شیوه ای مناسب.

مهارت های همکاری و مسئولیت پذیری: توانایی کار گروهی، همکاری در مدرسه و جامعه، و نشان دادن نوع دوستی.

مهارت های خودگردانی: مراقبت از خود، مدیریت امور شخصی، هویت یابی و اداره امور مالی.

درک اجتماعی و شناسایی ارزش های جامعه: آگاهی از واکنش ها و احساسات دیگران، درک هنجارها و ارزش های اجتماعی و توانایی سازگاری با آن ها. (خوشنوی فومنی، ۱۳۹۹)

۲-۴- ویژگی های مهارت های اجتماعی

مهارت های اجتماعی رفتارهای اکتسابی هستند که از طریق مشاهده، تمرین، بازخورد و مدل سازی یاد گرفته می شوند. این مهارت ها هم شامل رفتارهای مشهود (کلامی و غیرکلامی) و هم عناصر شناختی نامشهود (مانند تفکر و تصمیم گیری در

تعاملات اجتماعی) هستند همچنین، مهارت‌های اجتماعی تحت تأثیر عوامل محیطی، فرهنگی، سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی قرار دارند و ماهیتی تعاملی و دوسویه دارند. (خلعتبری، ۱۴۰۰)

۲-۴-۱- اهمیت شناخت ابعاد و مولفه‌ها

شناخت دقیق ابعاد و مولفه‌های مهارت‌های شناختی و اجتماعی به برنامه‌ریزان آموزشی و روان‌شناسان کمک می‌کند تا برنامه‌های آموزشی و مداخلات هدفمندتری طراحی کنند که بتواند به بهبود عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود. به عنوان مثال، در پژوهش‌های مرتبط با هوش اجتماعی، ابعاد مختلفی مانند ویژگی‌های فردی، دانش و فناوری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند که هر یک نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری دارند. (حمیدی، ۱۳۹۴).

۲-۴-۲- مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع

پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده از روش‌های متنوع مانند بازی درمانی، آموزش ذهن‌آگاهی و داستان‌درمانی می‌تواند به بهبود قابل توجهی در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود. به عنوان مثال، صامتی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی با استفاده از داستان، مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی را بهبود می‌بخشد.

همچنین، امیری و همکاران (۱۴۰۰) اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر ذهن‌آگاهی را در افزایش مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دیرآموز تأیید کردند.

پژوهش‌های خارجی نیز بر اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی و شناختی تأکید دارند و روش‌های متعددی برای توسعه این مهارت‌ها ارائه کرده‌اند که اثربخشی آن‌ها در بهبود عملکرد تحصیلی و اجتماعی کودکان و نوجوانان به اثبات رسیده است.

در کل، مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهارت‌های شناختی و اجتماعی دو بعد مکمل و ضروری برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان هستند و توسعه آن‌ها نیازمند رویکردی جامع، چندبعدی و مبتنی بر شواهد علمی است که علاوه بر آموزش مستقیم، به نقش محیط مدرسه، خانواده و جامعه نیز توجه کند. (خسروپور، ۱۳۹۴)

مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان به تفکیک به شرح زیر است:

پژوهش‌های متعددی در ایران به بررسی مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای در اردبیل نشان داد که بازی‌های ویدیویی می‌توانند به افزایش خلاقیت و تفکر انتقادی دانش‌آموزان کمک کنند و افرادی که تا دو ساعت روزانه بازی می‌کنند، مهارت‌های شناختی بالاتری دارند. همچنین پژوهشی دیگر نقش بازخورد والدین و محیط سواد خانه را در پیش‌بینی مهارت‌های شناختی کودکان پیش‌دبستانی تأیید کرده و نشان داده است که محیط غنی خانواده تا ۲۴ درصد واریانس مهارت‌های شناختی کودکان را تبیین می‌کند. (خلعتبری، ۱۴۰۰)

در حوزه آموزش مهارت‌های شناختی-اجتماعی، پژوهشی نیمه‌آزمایشی اثر آموزش این مهارت‌ها را بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده است.

پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند آموزش مهارت‌های اجتماعی ارتباطی می‌تواند باورهای فراشناختی و ترس از ارزیابی مثبت و منفی دانش‌آموزان را کاهش دهد و به بهبود روابط بین‌فردی و کاهش اضطراب اجتماعی کمک کند پژوهشی کیفی نیز فرایند شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را با تأکید بر نقش برنامه درسی پنهان بررسی کرده و اهمیت

محیط مدرسه، خانواده و جو اجتماعی را در توسعه این مهارت‌ها برجسته ساخته است. همچنین، آموزش مهارت‌های شناختی-اجتماعی در کاهش رفتارهای پرخطر و اختلال نافرمانی مقابله‌ای دانش‌آموزان مؤثر شناخته شده است. پژوهش‌های بین‌المللی بر اهمیت آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی تأکید دارند و روش‌های متعددی مانند آموزش مهارت‌های زندگی، بازی درمانی، ذهن‌آگاهی و آموزش گروهی را برای ارتقای این مهارت‌ها پیشنهاد کرده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که آموزش این مهارت‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی، کاهش مشکلات رفتاری و افزایش سازگاری اجتماعی منجر شود. نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و شناختی مانند نظریه ویکوتسکی و نظریه اریکسون، نقش محیط اجتماعی و مراحل رشد روانی-اجتماعی را در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و اجتماعی تأیید می‌کنند و بر اهمیت تعاملات اجتماعی و آموزش هدفمند تأکید دارند. این مرور نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی در زمینه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان به نتایجی مشابه با یافته‌های جهانی دست یافته‌اند و بر اهمیت آموزش هدفمند، توجه به محیط خانواده و مدرسه، و استفاده از روش‌های نوین آموزشی تأکید دارند. همچنین، خلأهای پژوهشی در زمینه تأثیر برنامه درسی پنهان و آموزش مهارت‌های اجتماعی بر باورهای فراشناختی و ترس از ارزیابی در دانش‌آموزان وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات آینده باشد. (حقیقی، موسوی، مهرابی زاده هنرمند، بشلیده، ۱۳۹۹)

۲-۴-۳- وضعیت موجود مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان

وضعیت موجود مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان در ایران نشان‌دهنده وجود چالش‌ها و نقاط ضعف قابل توجهی است که در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. از نظر مهارت‌های شناختی، پژوهش‌ها حاکی از آن است که رشد این مهارت‌ها در دانش‌آموزان ابتدایی اهمیت حیاتی دارد و تأثیر عمیقی بر موفقیت تحصیلی و توسعه فردی آنان دارد. با این حال، وضعیت موجود در برخی مدارس و مناطق، به ویژه در مدارس هوشمند، در سطحی بالاتر از متوسط اما کمتر از مطلوب ارزیابی شده است. همچنین، دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری مانند نارساخوانی، با ضعف‌های قابل توجهی در مهارت‌های شناختی از جمله کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه مواجه هستند که آموزش‌های مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی و چندرسانه‌ای می‌تواند به بهبود این مهارت‌ها کمک کند. پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که آموزش‌های مبتنی بر بازی‌های حرکتی می‌تواند عملکرد شناختی دانش‌آموزان را بهبود بخشد. (حمیدی، ۱۳۹۴)

در حوزه مهارت‌های اجتماعی، پژوهش‌ها بیانگر آن است که دانش‌آموزان در این زمینه نیز با مشکلاتی روبرو هستند. مهارت‌های اجتماعی مانند ارتباط مؤثر، همکاری، همدلی و مدیریت هیجانات به اندازه کافی در محیط‌های آموزشی توسعه نیافته‌اند. آموزش مهارت‌های اجتماعی ارتباطی می‌تواند باورهای فراشناختی منفی و ترس از ارزیابی را کاهش دهد و به بهبود روابط بین‌فردی دانش‌آموزان کمک کند (خلعتبری، ۱۴۰۰).

همچنین، حرفه‌آموزی و آموزش‌های هدفمند در زمینه مهارت‌های اجتماعی و شناختی، توانایی‌های دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد. از دیدگاه برنامه‌ریزی درسی، وضعیت موجود عناصر برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فرایند شناختی در مدارس هوشمند دوره ابتدایی در سطحی بالاتر از متوسط اما کمتر از مطلوب ارزیابی شده است. این نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌ها، هنوز فاصله‌ای میان اهداف آموزشی و تحقق آن‌ها در عمل وجود دارد. در مجموع، وضعیت موجود مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان در ایران نشان‌دهنده نیاز به بازنگری و تقویت برنامه‌های آموزشی، استفاده از روش‌های نوین

تدریس و فراهم سازی فرصت های عملی برای تمرین این مهارت ها است. این اقدامات می تواند به کاهش شکاف میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی دانش آموزان کمک کند و زمینه ساز رشد همه جانبه آنان باشد. (تروور جی پاول، سینون جی اترات، ۱۳۹۷)

۲-۴-۴- تحلیل وضعیت فعلی بر اساس پژوهش های میدانی و مطالعات انجام شده

تحلیل وضعیت فعلی مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان بر اساس پژوهش های میدانی و مطالعات انجام شده نشان می دهد که این مهارت ها در میان دانش آموزان با چالش ها و نواقص قابل توجهی مواجه است. از منظر مهارت های اجتماعی، پژوهش ها تأکید دارند که روش های آموزشی تجربی مانند بازدیدهای میدانی نقش مؤثری در تقویت یادگیری و توسعه مهارت های اجتماعی و ارتباطی دانش آموزان دارند. این بازدیدها به دانش آموزان امکان می دهند تا مفاهیم نظری را در محیط های واقعی تجربه کنند، که موجب افزایش انگیزه، تقویت تفکر انتقادی و توسعه مهارت های اجتماعی می شود. همچنین، مهارت های ارتباطی و ابراز وجود به طور مثبت بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان تأثیرگذار است؛ پژوهشی در شهرستان نیشابور نشان داد که مهارت های ارتباطی و ابراز وجود به طور معناداری سازگاری اجتماعی دانش آموزان را افزایش می دهند. (پوراحمدی و جلالی، ۱۳۹۷)

از نظر مهارت های شناختی، آموزش مهارت های مقابله ای با رویکرد شناختی-رفتاری مثبت گرا می تواند سازگاری اجتماعی، عاطفی و تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشد همچنین، مداخلات آموزشی مبتنی بر الگوی شناختی-اجتماعی در افزایش فعالیت بدنی و بهبود مؤلفه های شناختی-اجتماعی دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه مؤثر بوده است. مطالعات نشان می دهند که باورهای هوشی و شایستگی های هیجانی-اجتماعی نقش میانجی در کاهش درماندگی آموخته شده دانش آموزان ابتدایی دارند و این عوامل در بهبود عملکرد شناختی و اجتماعی آنان اهمیت دارند از سوی دیگر، پژوهش های کیفی بر نقش برنامه درسی پنهان در شکل گیری مهارت های اجتماعی تأکید دارند. این مطالعات نشان می دهند که مهارت های اجتماعی فرایندی چندبعدی است که علاوه بر برنامه درسی آشکار، نیازمند توجه به ساختار مدرسه، جو اجتماعی و نقش خانواده در قالب برنامه درسی پنهان است این یافته ها بیانگر آن است که توسعه مهارت های اجتماعی نیازمند رویکردی جامع و چندسویه در نظام آموزشی است. (حقیقی، موسوی، مهرابی زاده هنرمند، بشلیده، ۱۳۹۹) در مجموع، تحلیل پژوهش های میدانی و مطالعات انجام شده نشان می دهد که:

مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان در وضعیت مطلوب قرار ندارند و نیازمند تقویت و توسعه هستند. آموزش های تجربی و روش های فعال مانند بازدیدهای میدانی، آموزش مهارت های مقابله ای و شناختی-اجتماعی، نقش مؤثری در بهبود این مهارت ها دارند. برنامه درسی پنهان و عوامل محیطی مدرسه و خانواده تأثیر قابل توجهی بر شکل گیری مهارت های اجتماعی دارند و باید در طراحی برنامه های آموزشی مدنظر قرار گیرند باورهای هوشی و شایستگی های هیجانی-اجتماعی به عنوان عوامل میانجی در بهبود مهارت ها و کاهش مشکلات روانی و اجتماعی دانش آموزان اهمیت دارند این تحلیل نشان می دهد که برای ارتقای مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان، لازم است نظام آموزشی با رویکردی جامع، از آموزش های مستقیم تا بهبود محیط های آموزشی و خانوادگی، برنامه ریزی و مداخلات هدفمند انجام دهد. (جعفری منش، ۱۴۰۲)

۲-۴-۵- بررسی تفاوت‌ها میان دانش‌آموزان عادی و دارای نیازهای ویژه

بررسی تفاوت‌ها میان دانش‌آموزان عادی و دارای نیازهای ویژه نشان می‌دهد که این دو گروه از نظر مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دارای تفاوت‌های معناداری هستند که در ابعاد مختلف قابل تحلیل است. (حبیبی، ۱۴۰۲)

از نظر سبک‌های یادگیری، پژوهشی که سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دختر با نیازهای ویژه (شامل کم‌بینا، کم‌شنوا و معلولیت جسمی-حرکتی) را با دانش‌آموزان عادی مقایسه کرده است، نشان داد که در بعد فیزیولوژیکی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بیشتر از سبک جنبشی استفاده می‌کنند، در حالی که دانش‌آموزان عادی این سبک را کمتر به کار می‌برند. در بعد عاطفی، سبک همکاری‌خواهی در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. اما در بعد شناختی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. همچنین، در مقایسه درون گروهی میان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، تفاوت‌هایی در سبک‌های یادگیری فیزیولوژیکی، عاطفی و شناختی دیده شده است از نظر پردازش شناختی و مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری نسبت به دانش‌آموزان عادی وضعیت نامطلوب‌تری دارند. پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزان عادی در پردازش شناختی و مهارت‌های اجتماعی بهتر و مناسب‌تر عمل می‌کنند و تفاوت معناداری میان این دو گروه وجود دارد همچنین، در مطالعه‌ای تطبیقی، دانش‌آموزان عادی به دلیل برخورداری از توانایی‌ها و ویژگی‌های طبیعی، در سطح یادگیری بالاتری قرار دارند، اما دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در برخی مولفه‌ها نسبت به رسته یادگیری خود، عملکرد بهتری از دانش‌آموزان عادی نشان داده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده تنوع و پیچیدگی ویژگی‌های یادگیری در این گروه‌ها است. (تقی زاده، ۱۳۹۹)

از نظر نگرش معلمان نسبت به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، تفاوت‌هایی بین نگرش معلمان عادی و ویژه مشاهده شده که می‌تواند بر کیفیت آموزش و تعامل با این دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد در مجموع، تفاوت‌های میان دانش‌آموزان عادی و دارای نیازهای ویژه در ابعاد فیزیولوژیکی، عاطفی و شناختی وجود دارد که این تفاوت‌ها درون گروهی در میان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز متنوع است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نیاز به برنامه‌های آموزشی و حمایتی تخصصی و متناسب با ویژگی‌های هر گروه است تا بتوان به بهبود مهارت‌های شناختی و اجتماعی آن‌ها کمک کرد. (تروور جی پاول، سینون جی، ۱۳۹۷)

۲-۴-۶- نقش محیط مدرسه، خانواده و گروه همسالان در توسعه مهارت‌ها

نقش محیط مدرسه، خانواده و گروه همسالان در توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان بسیار حیاتی و چندبعدی است و هر یک از این محیط‌ها به شیوه‌ای خاص در شکل‌گیری و تقویت این مهارت‌ها مؤثرند.

۲-۴-۶-۱- نقش مدرسه

مدرسه به عنوان محیط اصلی آموزش و پرورش، بیشترین زمان دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد و زمینه‌ای مناسب برای رشد اجتماعی، روانی و تحصیلی آنان فراهم می‌کند مدرسه با ارائه آموزش‌های رسمی در مهارت‌های اساسی مانند خواندن، نوشتن، حساب و علوم، پایه‌های شناختی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و از طریق فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های مشارکتی و بحث‌های کلاسی، مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت را توسعه می‌دهد. همچنین، مدرسه نقش مهمی در شکل‌دهی ارزش‌ها و اخلاق اجتماعی دارد و با ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل، همکاری و همدلی، مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعامل مثبت با معلمان و همسالان و شرکت در فعالیت‌های گروهی،

بهبود مهارت‌های اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان را به دنبال دارد. معلمان نیز با ایفای نقش راهنما و الگو، به توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کمک می‌کنند. (پوراحمدی و جلالی، ۱۳۹۷)

۲-۴-۶-۲- نقش خانواده

خانواده نخستین محیط اجتماعی کودک است که تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و اجتماعی دارد. حمایت عاطفی، آموزش مهارت‌های زندگی، ایجاد محیط غنی از سواد و فراهم‌سازی فرصت‌های تعامل اجتماعی در خانواده، زمینه‌ساز رشد این مهارت‌هاست. خانواده نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری دارد و می‌تواند با همکاری مدرسه، به توسعه همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک کند پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خانواده‌های حمایتگر و مشارکت‌کننده، موجب افزایش انگیزه یادگیری و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شوند. (پاکدامن ساوجی، گنجی، احمدزاده، ۱۳۹۱).

۲-۴-۶-۳- نقش گروه همسالان

گروه همسالان به عنوان محیطی طبیعی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی، نقش مهمی در توسعه این مهارت‌ها دارد. تعامل با همسالان فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های ارتباطی، همکاری، مدیریت تعارض و همدلی فراهم می‌کند. دانش‌آموزان از طریق بازی‌ها، فعالیت‌های گروهی و روابط دوستانه، مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت می‌کنند و هویت اجتماعی خود را شکل می‌دهند. همچنین، گروه همسالان می‌تواند به عنوان منبع حمایت روانی و اجتماعی عمل کند و در بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان مؤثر باشد. (بیرامی، ۱۳۹۹)

توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان نیازمند هماهنگی و همکاری میان مدرسه، خانواده و گروه همسالان است. هر یک از این محیط‌ها با فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری، حمایت عاطفی و ایجاد فضای مناسب، به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک می‌کنند. سیاست‌گذاری‌های آموزشی باید به این نقش‌ها توجه ویژه داشته باشند تا بتوانند برنامه‌های مؤثری برای تقویت مهارت‌های دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. (بهاری، شفیق پور، ۱۳۹۴)

۲-۵- فاصله واقعیت تا نیاز

فاصله واقعیت تا نیاز در مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان به معنای شکاف میان وضعیت فعلی مهارت‌های آنان و مهارت‌های مورد انتظار یا ضروری برای موفقیت تحصیلی، اجتماعی و زندگی آینده است. این فاصله ناشی از عوامل متعددی است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۵-۱- ضعف برنامه‌های آموزشی و درسی

برنامه‌های درسی موجود اغلب بر انتقال دانش محض تمرکز دارند و کمتر به آموزش مهارت‌های نرم و مهارت‌های اجتماعی توجه می‌شود. این امر باعث می‌شود دانش‌آموزان فرصت کافی برای یادگیری و تمرین مهارت‌های شناختی مانند تفکر انتقادی و حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری و ارتباط مؤثر نداشته باشند. (اسلامی، ۱۳۹۳).

۲-۵-۲- کمبود آموزش هدفمند و روش‌های نوین

روش‌های تدریس سنتی و کم‌تحرك، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد و فرصت‌های کافی برای توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی فراهم نمی‌کند. نبود آموزش‌های هدفمند و استفاده ناکافی از فناوری‌های نوین آموزشی، موجب کاهش کیفیت یادگیری مهارت‌ها می‌شود. (برزآبادی فراهانی، آقای دوست، ۱۳۹۹).

۲-۵-۳- نقش محدود خانواده و محیط اجتماعی

در بسیاری از موارد، خانواده‌ها به دلیل کمبود آگاهی یا مشغله‌های روزمره، نقش مؤثری در تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی فرزندان خود ایفا نمی‌کنند. همچنین، شرایط اجتماعی و فرهنگی محیط زندگی دانش‌آموزان ممکن است مانع رشد این مهارت‌ها شود. (بیرامی، ۱۳۹۹)

۲-۵-۴- فقدان فرصت‌های عملی و محیط‌های حمایتی

دانش‌آموزان کمتر فرصتی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی و شناختی در محیط‌های واقعی و عملی دارند. نبود برنامه‌های فوق‌برنامه مؤثر، فعالیت‌های گروهی محدود و کمبود فضای آموزشی تعاملی، از جمله عوامل این فاصله است. (پوراحمدی و جلالی، ۱۳۹۷)

۲-۵-۵- تفاوت‌های فردی و نیازهای ویژه

عدم توجه کافی به تفاوت‌های فردی و نیازهای ویژه دانش‌آموزان باعث می‌شود برخی از آنان از آموزش‌های مناسب محروم بمانند و مهارت‌های لازم را کسب نکنند.

۲-۶- پیامدهای فاصله واقعیت تا نیاز

کاهش کیفیت یادگیری و عملکرد تحصیلی
مشکلات رفتاری و اجتماعی در دانش‌آموزان
کاهش انگیزه و رضایت از مدرسه
عدم آمادگی کافی برای ورود به جامعه و بازار کار

۲-۷- راهکارهای کاهش فاصله

بازنگری و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی با تأکید بر مهارت‌های شناختی و اجتماعی
استفاده از روش‌های تدریس فعال، مشارکتی و فناوری‌های نوین آموزشی
آموزش و مشارکت خانواده‌ها در فرآیند یادگیری مهارت‌ها
فراهم‌سازی فرصت‌های عملی و فعالیت‌های فوق‌برنامه متنوع
طراحی برنامه‌های ویژه برای دانش‌آموزان با نیازهای خاص

کاهش این فاصله نیازمند رویکردی جامع، هماهنگ و مستمر از سوی نظام آموزشی، خانواده و جامعه است تا بتواند زمینه ساز رشد همه جانبه و موفقیت بلندمدت دانش آموزان باشد.

چگونه می توان فاصله بین واقعیت های فردی و نیازهای واقعی را اندازه گیری کرد؟

چه عواملی باعث افزایش فاصله میان آنچه واقعیت است و نیازهای ما می شود؟

چگونه شناخت این فاصله به بهبود تصمیم گیری های شخصی کمک می کند؟

چه راهکارهایی برای کاهش این فاصله در زندگی روزمره وجود دارد؟

چگونه تفاوت های فردی در ادراک واقعیت و نیازها بر روابط ما تاثیر می گذارد؟ (تروور جی پاول، سینون، ۱۳۹۷).

۲-۸-۱- شناسایی شکاف های موجود میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی دانش آموزان

شکاف های موجود میان وضعیت فعلی مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان و نیازهای واقعی آنان را می توان در چند محور اصلی شناسایی کرد:

۲-۸-۱-۱- ضعف در مهارت های اجتماعی و شناختی دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری

مطالعات نشان می دهد که دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری (LD) نسبت به دانش آموزان عادی در مهارت های اجتماعی و شناختی وضعیت نامطلوب تری دارند. این دانش آموزان در برقراری ارتباط مؤثر، درک علائم اجتماعی و مدیریت هیجانات با مشکلات جدی مواجه اند که منجر به کاهش فرصت های تعامل اجتماعی و ایجاد چرخه معیوب در کسب مهارت ها می شود. همچنین، مشکلات هیجانی و رفتاری در این گروه بیشتر است که بر کیفیت زندگی و تحصیل آنان تأثیر منفی می گذارد. (پوراحمدی، و جلالی، ۱۳۹۷)

۲-۸-۲- شکاف نسلی و تفاوت در ارزش ها و باورهای دانش آموزان

پژوهش ها نشان داده اند که دانش آموزان با فهم ایستا و محافظه کارانه از ارزش ها و ضعف در انتقال ارزش های دینی و مهارتی مواجه اند که باعث بروز شکاف نسلی و فاصله میان نیازهای واقعی و انتظارات جامعه می شود این شکاف در ابعاد هویتی، رفتاری و شناختی خود را نشان می دهد و نیازمند طراحی ابزارهای نرم آموزشی برای انتقال بهتر ارزش هاست. (حمیدی، ۱۳۹۴)

۲-۸-۳- عدم تطابق نیازهای دانش آموزان با برنامه های آموزشی و انتظارات موجود

دانش آموزان نیازمند تأمین نیازهای فرهنگی، ادبی، هنری، علمی، تفریحی و آموزش های شغلی و حرفه ای هستند، اما برنامه های آموزشی موجود پاسخگوی این نیازها نیستند و این باعث ایجاد فاصله میان نیازهای واقعی و مهارت های کسب شده می شود.

کمبود آموزش های هدفمند و روش های نوین در توسعه مهارت ها

تحقیقات نشان می دهد که آموزش های مبتنی بر راهبردهای شناختی و فراشناختی، آموزش مهارت های مقابله ای و استفاده از روش های فعال و مشارکتی می تواند به بهبود مهارت های شناختی و اجتماعی کمک کند، اما این روش ها به طور گسترده در مدارس اجرا نمی شوند. (حقیقی، موسوی، مهرابی زاده هنرمند، بشلیده، ۱۳۹۹)

۲-۸-۴- نقش محدود محیط‌های آموزشی و خانوادگی در حمایت از توسعه مهارت‌ها

کمبود حمایت‌های عاطفی و آموزشی در خانواده و مدرسه، و نبود فرصت‌های عملی و محیط‌های تعاملی، باعث شده است که دانش‌آموزان نتوانند مهارت‌های شناختی و اجتماعی خود را به طور کامل توسعه دهند. شکاف‌های موجود میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی دانش‌آموزان ناشی از ضعف در آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی، مشکلات هیجانی-اجتماعی به ویژه در دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، تفاوت‌های نسلی در ارزش‌ها، عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان و کمبود حمایت‌های محیطی است. برای کاهش این شکاف، لازم است برنامه‌های آموزشی بازنگری شده، آموزش‌های هدفمند و نوین به کار گرفته شود و محیط‌های حمایتی در مدرسه و خانواده تقویت گردد. (جعفری منش، ۱۴۰۲)

۲-۹- تحلیل عوامل مؤثر بر این فاصله (برنامه درسی، روش‌های تدریس، محیط اجتماعی و فرهنگی)

عوامل مؤثر بر فاصله میان وضعیت فعلی مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و نیازهای واقعی آنان را می‌توان در سه حوزه اصلی برنامه درسی، روش‌های تدریس و محیط‌های اجتماعی و فرهنگی تحلیل کرد:

۲-۹-۱- برنامه درسی

برنامه درسی موجود در بسیاری از مدارس بیشتر بر انتقال محتوای علمی و دانشی متمرکز است و کمتر به آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی توجه شده است. این کمبود در برنامه درسی آشکار موجب می‌شود دانش‌آموزان فرصت کافی برای توسعه مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، همکاری و مدیریت هیجانات نداشته باشند. همچنین، برنامه درسی پنهان که شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای غیررسمی در مدرسه است، به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و آموزشی، نقش مؤثری در تقویت مهارت‌های اجتماعی ایفا نمی‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عدم توجه به مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری و مدیریت هیجانات در برنامه‌های درسی، باعث بروز مشکلات رفتاری و کاهش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. (حبیبی، ۱۴۰۲)

۲-۹-۲- روش‌های تدریس

روش‌های تدریس سنتی و حفظی، که هنوز در بسیاری از مدارس رایج است، انگیزه و مشارکت فعال دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد و فرصت‌های کافی برای تمرین مهارت‌های شناختی و اجتماعی فراهم نمی‌کند. نبود آموزش‌های هدفمند مبتنی بر راهبردهای شناختی و فراشناختی، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی، موجب کاهش سرزندگی تحصیلی و شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان شده است. پژوهش‌ها اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی را در افزایش انگیزه، درگیری تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی تأیید کرده‌اند. (تقی زاده، ۱۳۹۹)

۲-۹-۳- محیط اجتماعی و فرهنگی

محیط مدرسه، خانواده و جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و اجتماعی دارد. محدودیت‌های فرهنگی، نگرش‌های محافظه‌کارانه، و عدم حمایت کافی خانواده و مدرسه از توسعه مهارت‌های اجتماعی، به ویژه در موضوعات حساس مانند ارتباط با جنس مخالف و مسئولیت‌پذیری، باعث ایجاد خلأهای رفتاری و هیجانی در دانش‌آموزان می‌شود. همچنین،

مشکلات اجتماعی و فرهنگی مانند ضعف خودآگاهی، مشکلات ارتباطی، اضطراب و شکست تحصیلی، ناشی از عدم توجه به این عوامل در برنامه‌ریزی‌های آموزشی است فقدان هماهنگی میان خانواده و مدرسه و نبود فرصت‌های عملی برای تمرین مهارت‌ها نیز از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد این فاصله است. (تروور جی پاول، سینون ۱۳۹۷)

فاصله میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی دانش‌آموزان در مهارت‌های شناختی و اجتماعی ناشی از ضعف برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس غیر فعال و محدودیت‌های محیط‌های اجتماعی و فرهنگی است. برای کاهش این شکاف، لازم است برنامه‌های درسی بازنگری شده، روش‌های تدریس فعال و مبتنی بر راهبردهای شناختی و فراشناختی به کار گرفته شود و محیط‌های مدرسه و خانواده به عنوان منابع حمایتی تقویت گردند. (سرخابی یمینی دوزی، ۱۳۷۱)

۲-۱۰-۱- راهکارها و پیشنهادها

راهکارها و پیشنهادها برای ارتقای مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان شامل مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی، تربیتی و محیطی است که می‌تواند شکاف میان وضعیت فعلی و نیازهای واقعی را کاهش دهد:

۲-۱۰-۱- آموزش مهارت‌های اجتماعی با رویکرد یادگیری اجتماعی-عاطفی (SEL)

اجرای برنامه‌های SEL در مدارس ابتدایی به طور مؤثر می‌تواند مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و شناختی دانش‌آموزان را تقویت کند و به بهبود رفتار اجتماعی و عملکرد تحصیلی آنان کمک نماید این برنامه‌ها شامل آموزش مهارت‌هایی مانند همدلی، مدیریت هیجانات، ارتباط مؤثر و حل تعارض است. (شفیع آبادی، ۱۳۹۹)

۲-۱۰-۲- استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی

گروه‌های بازی و تعاملات اجتماعی: تشکیل گروه‌های بازی و فعالیت‌های گروهی در محیط مدرسه فرصت‌های عملی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند و حس تعلق و دوستی را تقویت می‌کند.

آموزش مبتنی بر نقش^۱: نقش‌آفرینی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به دانش‌آموزان کمک می‌کند رفتارهای مثبت را تمرین کنند و درک بهتری از احساسات دیگران پیدا کنند.

کار تیمی: تشویق به کار گروهی و تشکیل گروه‌های کوچک ۴ تا ۷ نفره باعث می‌شود دانش‌آموزان مهارت‌های همکاری، گوش دادن و احترام به نظرات دیگران را یاد بگیرند.

۲-۱۰-۳- بهره‌گیری از داستان‌ها و کتاب‌های آموزشی

استفاده از داستان‌ها و کتاب‌های آموزشی به عنوان ابزارهای مؤثر در آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی، مفاهیمی مانند همدلی، همکاری و مدیریت هیجانات را به کودکان منتقل می‌کند.

^۱ - Role Play

۲-۱۰-۴- مشارکت والدین و جامعه

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین جهت آشنایی با روش‌های تقویت مهارت‌های اجتماعی فرزندان و ایجاد همکاری مؤثر میان خانواده و مدرسه.

فعالیت‌های انجمن‌های محلی و نهادهای اجتماعی برای افزایش آگاهی و فراهم کردن فرصت‌های بیشتر یادگیری مهارت‌ها.

۲-۱۰-۵- تقویت مهارت‌های شناختی از طریق بازی و فعالیت‌های خلاقانه

تشویق یادگیری با بازی‌های نقش‌آفرینی، ساختنی (مانند لگو)، معمایی و پازل که مهارت‌های حل مسئله، تفکر استراتژیک، حافظه و تمرکز را بهبود می‌بخشند. استفاده از داستان‌گویی و مکالمات معنادار برای تقویت مهارت‌های زبانی، توجه و حافظه. تشویق فعالیت‌های فیزیکی و هنری مانند نقاشی، موسیقی، تئاتر که به بهبود مهارت‌های حرکتی، تمرکز و خلاقیت کمک می‌کنند. (طارمیان، ۱۴۰۲)

۲-۱۰-۶- ایجاد فضای امن و حمایتگر در مدرسه

معلمان باید فضایی فراهم کنند که دانش‌آموزان در آن احساس امنیت و حمایت کنند، بتوانند آزادانه احساسات و افکار خود را بیان کنند و تفاوت‌ها را بپذیرند. آموزش مهارت‌های ارتباطی مانند گوش دادن فعال، بیان احساسات و مدیریت تضادها باید در مدرسه تقویت شود. (علاسوند، ۱۴۰۰).

۲-۱۰-۷- برنامه‌ریزی برای استفاده متعادل از فناوری

والدین و معلمان باید استفاده از وسایل دیجیتال را مدیریت کنند و کودکان را به انجام فعالیت‌های تعاملی و خلاقانه تشویق کنند تا تأثیر منفی استفاده بیش از حد از فناوری بر مهارت‌های شناختی کاهش یابد.

۲-۱۰-۸- بازنگری در برنامه‌های درسی با تأکید بر مهارت‌های نرم و اجتماعی

بازنگری در برنامه‌های درسی با تأکید بر مهارت‌های نرم و اجتماعی از ضرورت‌های مهم نظام آموزشی امروز است که به منظور پاسخگویی به نیازهای پیچیده و متنوع دانش‌آموزان و جامعه انجام می‌شود. این بازنگری نه تنها به اصلاح محتوای درسی بلکه به تغییر روش‌های تدریس، ساختار مدرسه و توجه به برنامه درسی پنهان نیز توجه دارد. (شیرزاد کبریا، ۱۴۰۲)

بر اساس پژوهش‌ها، برنامه‌های درسی فعلی بیشتر بر انتقال دانش محض تمرکز دارند و کمتر به آموزش مهارت‌های نرم مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، همکاری، ارتباط مؤثر و مدیریت هیجانات توجه شده است. بازنگری برنامه درسی مهارت‌های زندگی به عنوان بخشی از این رویکرد، به تضمین سلامت روان و موفقیت اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند و باید به صورت مستمر و متناسب با تحولات علمی، فرهنگی و اجتماعی به‌روزرسانی شود علاوه بر برنامه درسی آشکار، برنامه درسی پنهان که شامل جو اجتماعی، ساختار فیزیکی مدرسه، روابط درونی و فرهنگ مدرسه است، نقش مهمی در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توجه به این ابعاد می‌تواند تا حد قابل توجهی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را رشد دهد بنابراین، بازنگری باید نگاهی جامع و چندسویه به نظام آموزشی داشته باشد و علاوه بر محتوای درسی، به کارکردهای برنامه درسی پنهان نیز توجه کند. طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و اجرای آن‌ها در مدارس

متوسطه و ابتدایی، نتایج مثبت قابل توجهی در بهبود تعاملات اجتماعی، همکاری گروهی، گفت‌وگوی مؤثر و حل مسئله داشته است. این برنامه‌ها باید مهارت‌های اجتماعی را به عنوان بخش محوری و نه حاشیه‌ای آموزش دهند و معلمان را برای اجرای آن‌ها آموزش دهند. (طارمیان، ۱۴۰۲)

در شرایط کنونی با توجه به تغییرات گسترده ناشی از فناوری‌های نوین آموزشی و آموزش‌های مجازی، بازنگری برنامه‌های درسی باید انعطاف‌پذیر باشد و توانایی تطبیق با روش‌های نوین و نیازهای یادگیرندگان را داشته باشد. همچنین، برنامه درسی باید با توانایی‌های ذهنی، علائق و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ باشد و به توسعه نگرش‌های بین‌رشته‌ای، نوآوری، کارآفرینی و کار گروهی توجه کند.

۲-۱۰-۹- تقویت آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی از طریق فعالیت‌های عملی و مشارکتی

تقویت آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی از طریق فعالیت‌های عملی و مشارکتی یکی از مؤثرترین روش‌ها برای ارتقای توانمندی‌های دانش‌آموزان است. این رویکرد با فراهم کردن فرصت‌های واقعی برای تعامل، همکاری و حل مسئله، باعث می‌شود دانش‌آموزان مهارت‌های لازم برای زندگی و یادگیری را به صورت کاربردی و عمیق‌تر بیاموزند. (شعاری نژاد ۱۳۹۷)

۲-۱۰-۱۰- یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی روشی فعال است که در آن معلم و دانش‌آموزان به صورت گروهی به بحث، نقد و حل مسائل می‌پردازند. این روش باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، ارتباط مؤثر، مدیریت تعارض و اعتماد به نفس می‌شود و همچنین مهارت‌های شناختی مانند تفکر انتقادی و حل مسئله را توسعه می‌دهد. یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا نظرات مختلف را بشنوند، پرسشگری کنند و به تحلیل عمیق موضوعات بپردازند که این فرآیند به رشد تفکر انتقادی کمک می‌کند.

۲-۱۰-۱۱- فعالیت‌های گروهی و نقش‌آفرینی

تشکیل گروه‌های بازی و فعالیت‌های گروهی در مدرسه، به کودکان فرصت می‌دهد در فضایی ایمن و غیررسمی مهارت‌های اجتماعی را تمرین کنند و حس تعلق و دوستی را تقویت کنند. همچنین، تکنیک‌های نقش‌آفرینی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف قرار گیرند و رفتارهای مثبت را تمرین کنند، که این امر درک بهتر احساسات دیگران و بهبود مهارت‌های ارتباطی را به دنبال دارد. (شفیع آبادی، ۱۳۹۹)

۲-۱۰-۱۲- حل مسائل منطقی و مشارکتی

ارائه مسائل منطقی و چالش‌برانگیز به صورت مشارکتی، دانش‌آموزان را به کارگیری فرایندهای شناختی و اجتماعی مانند تحلیل، همکاری و تصمیم‌گیری تشویق می‌کند. این روش باعث می‌شود مهارت‌های شناختی و اجتماعی به طور همزمان تقویت شوند و دانش‌آموزان برای مواجهه با مسائل واقعی آماده‌تر شوند.

۲-۱۰-۱۳- مشارکت والدین و جامعه

موفقیت آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی نیازمند مشارکت فعال والدین و جامعه است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و همکاری مستمر خانواده و مدرسه، به تقویت این مهارت‌ها در محیط خانه و مدرسه کمک می‌کند فعالیت‌های عملی و مشارکتی مانند یادگیری گروهی، نقش‌آفرینی، حل مسائل مشارکتی و تعاملات اجتماعی، بستر مناسبی برای تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این روش‌ها نه تنها باعث افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان می‌شوند، بلکه مهارت‌های ضروری قرن ۲۱ مانند تفکر انتقادی، همکاری، خلاقیت و سازگاری را نیز توسعه می‌دهند. (شعاری نژاد، ۱۳۹۷)

۲-۱۱-۱۱- نقش معلمان، خانواده و سیاست‌گذاران آموزشی در کاهش فاصله واقعیت تا نیاز

نقش معلمان، خانواده و سیاست‌گذاران آموزشی در کاهش فاصله واقعیت تا نیاز مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان بسیار کلیدی و تأثیرگذار است و هر یک از این عوامل به شیوه‌ای خاص می‌توانند به بهبود وضعیت موجود کمک کنند.

۲-۱۱-۱- نقش معلمان

معلمان به عنوان راهنمایان اصلی در فرآیند یادگیری و رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی در توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دارند. آن‌ها با ایجاد محیط‌های یادگیری پویا و حمایتگر، تقویت مهارت‌های ارتباطی، همکاری، همدلی و مدیریت هیجانات را در دانش‌آموزان تسهیل می‌کنند. معلمان با ارائه الگوهای رفتاری مثبت مانند صداقت، احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری، به شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. همچنین، معلمان با تشویق دانش‌آموزان به مشارکت فعال، طرح پرسش و تفکر انتقادی، زمینه رشد مهارت‌های شناختی را فراهم می‌آورند. آموزش مستمر معلمان و آگاهی آن‌ها نسبت به نیازهای اجتماعی و مهارت‌های مورد انتظار جامعه، از عوامل کلیدی در کاهش این فاصله است. (سرخابی یمینی دوزی، ۱۳۷۱)

۲-۱۱-۲- نقش خانواده

خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین بستر اجتماعی کودک، نقش اساسی در شکل‌گیری و تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی دارد. حمایت عاطفی، فراهم‌سازی محیط غنی از تعاملات اجتماعی و همکاری با مدرسه می‌تواند به توسعه این مهارت‌ها کمک کند. مشارکت فعال والدین در فرآیند یادگیری، حضور در برنامه‌های آموزشی و تعامل مستمر با معلمان، باعث هماهنگی بیشتر و تقویت مهارت‌های دانش‌آموزان می‌شود. (رضایی، ملک پور و عریضی، ۱۳۹۸)

۲-۱۱-۳- نقش سیاست‌گذاران آموزشی

سیاست‌گذاران آموزشی با طراحی و اجرای برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای واقعی دانش‌آموزان، تدوین استانداردهای آموزشی مبتنی بر مهارت‌های شناختی و اجتماعی و حمایت از آموزش معلمان در این حوزه، می‌توانند نقش مهمی در کاهش شکاف موجود ایفا کنند. ایجاد زیرساخت‌های لازم برای آموزش مهارت‌های نرم، تأمین منابع مالی و تجهیز مدارس به

فناوری‌های نوین آموزشی، از جمله وظایف سیاست‌گذاران است. همچنین، تدوین سیاست‌هایی که همکاری میان مدرسه، خانواده و جامعه را تقویت کند، به بهبود وضعیت مهارت‌های دانش‌آموزان کمک می‌کند. (خوشنوا، فومنی، ۱۳۹۹)

۲-۱۲- نتیجه‌گیری

یافته‌های بررسی شده نشان می‌دهد که مهارت‌های شناختی و اجتماعی از ارکان اساسی رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان هستند و توسعه آن‌ها مستلزم توجه ویژه و برنامه‌ریزی دقیق در نظام آموزشی است. وضعیت موجود مهارت‌ها در میان دانش‌آموزان، به ویژه دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، نشان‌دهنده وجود شکاف قابل توجهی میان واقعیت و نیازهای آموزشی است که ناشی از ضعف برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس سنتی، کمبود آموزش‌های هدفمند و محدودیت‌های محیط‌های اجتماعی و فرهنگی است.

برای کاهش این شکاف، رویکردی جامع و چندسویه ضروری است که علاوه بر بازنگری برنامه‌های درسی آشکار، به برنامه درسی پنهان، نقش معلمان، خانواده و سیاست‌گذاران آموزشی توجه کند. استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی، آموزش مهارت‌های نرم و اجتماعی به صورت عملی، مشارکت خانواده و جامعه، و ایجاد محیط‌های حمایتگر در مدرسه از جمله راهکارهای مؤثر در این مسیر هستند. همچنین، توجه به تفاوت‌های فردی و نیازهای ویژه دانش‌آموزان و استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی می‌تواند به افزایش اثربخشی آموزش کمک کند.

در نهایت، آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی باید به عنوان فرآیندی مستمر و تعاملی در نظر گرفته شود که نیازمند همکاری هماهنگ همه عوامل دخیل در آموزش و پرورش است. این رویکرد چندبعدی، زمینه‌ساز رشد متوازن، توانمندسازی و آمادگی دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های تحصیلی، اجتماعی و زندگی آینده خواهد بود و می‌تواند به ارتقای کیفیت نظام آموزشی و توسعه پایدار جامعه منجر شود. کاهش فاصله واقعیت تا نیاز مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان نیازمند همکاری هماهنگ و مستمر معلمان، خانواده و سیاست‌گذاران آموزشی است. معلمان با ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتگر و الگوسازی مثبت، خانواده‌ها با حمایت عاطفی و مشارکت فعال، و سیاست‌گذاران با تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های هدفمند، می‌توانند زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه و موفقیت دانش‌آموزان شوند.

منابع و مآخذ

۱. آرزو، فتاح. (۱۳۹۹)، *اثربخشی آموزش مهارت های شناختی بر کاهش علائم افسردگی دانش آموزان پسر اول دبیرستان شهرستان پیرانشهر*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۲. آقا بخشی، ح. (۱۳۹۸)، *مهارت های اجتماعی برای دانشجویان*. تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۳. اتکینسون، ریتا، ل.، اتکینسون، ریچارد، س. و هیلگارد، ارنست، ر. (۱۳۹۳). *زمینه ی روانشناسی*، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، جلد دوم، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوازدهم.
۴. ادیب، ی. (۱۳۹۹). *بررسی میزان دستیابی نوجوانان ایرانی به مهارت های اجتماعی*. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، شماره ۴.
۵. اسلامی نسب، ع. (۱۳۹۳). *روانشناسی سازگاری*، تهران: چاپ و نشر بنیاد
۶. برزآبادی فراهانی، ع. آقایی دوست، م. (۱۳۹۹). *مهارت های اجتماعی*. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
۷. بهاری، سیف ا...، شفیق پور، محمدرضا. (۱۳۹۴)، *تاثیر آموزش مهارت های شناختی بر سلامت روانی دانشجویان*. طرح پژوهشی، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
۸. بیرامی، م. (۱۳۹۹)، *تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر کفایت اجتماعی (مدل فلنر) و پیش بینی تغییرات پیشرفت تحصیلی براساس مؤلفه های کفایت اجتماعی*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۹. پاکدامن ساوجی، آذر. گنجی، کامران. احمدزاده، محمود. (۱۳۹۱). *تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان*، فصلنامه ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷: ۲۴۵ تا ۲۶۵
۱۰. پوراحمدی، ا. و جلالی، م. (۱۳۹۷)، *تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر کاهش شدت علائم اختلال بی اعتنائی مقابله ای در دانش آموزان پسر ۸ تا ۱۰ ساله شهرستان نهاوند*، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۸۴ و ۸۵: ۲ تا ۱۱.
۱۱. تروور جی پاول، سینون جی اترات (۱۳۹۷)، *فشار روانی، اضطراب و راههای مقابله با آن*. ترجمه: عباس بخشی پور، رودسری، صبورى مقدم، انتشارات آستان قدس رضوى؛ ص: ۱۰۳.
۱۲. تقی زاده، مجید. (۱۳۹۹)، *برنامه آموزش مهارت های اجتماعی*، تهران، انتشارات طلوع دانش.
۱۳. جعفری منش، مریم. (۱۴۰۲)، *تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر عزت نفس، پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب حالت صفت در دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان کرج*. پایان نامه ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۱۴. حبیبی، نسرين. (۱۴۰۲)، *بررسی رابطه بین مهارت های اجتماعی و سازگاری فردی-اجتماعی در دختران دانش آموز دبیرستانی شهر تهران*. پایان نامه ی چاپ نشده ی کارشناسی ارشد در تهران، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۵. حقیقی، جمال. موسوی، محمد. مهرابی زاده هنرمند، مهناز. بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۹)، *بررسی تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه*، مجله علوم تربیتی دانشگاه اهواز، س ۱۳ (۱): ۶۱ تا ۷۸.
۱۶. حمیدی، ف. (۱۳۹۴)، *بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر دختران نوجوان مناطق محروم کشور در اردوهای تابستانی*، مطالعات زنا ن، س ۳ (۷): ۱۲۹ تا ۱۴۷.
۱۷. خسروپور، علی. (۱۳۹۴)، *بهبود بخشی مهارت های اجتماعی*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۸. خلعتبری، جواد. (۱۴۰۰)، *خلاصه مقالات همایش عملی پژوهش منطقه ای مهارت های ساختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*. پانزدهم اردیبهشت ۱۴۰۲.
۱۹. خوشنوی فومنی، ف. (۱۳۹۹)، *بررسی مهارت های زندگی نوجوانان، آگاهی، نگرش و عملکرد آنان در مورد اکستاسی در منطقه غرب شهر تهران در سال ۱۳۹۹*، پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
۲۰. دهستانی، منصور. (۱۴۰۲)، *مهارت های ساختی*. تهران: جیحون.
۲۱. رضایی، ا. ملک پور، م و عریضی، ح. ر. (۱۳۹۸)، *بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر میزان اضطراب و شیوه های مقابله با اضطراب نوجوانان مراکز شبه خانواده*، فصلنامه دانشور رفتار، س ۱ (۳۴): ۲۱ تا ۲۸.
۲۲. سرخابی یمینی دوزی، محمد. (۱۳۷۱)، *تحلیلی بر ناسازگاری دانش آموزان دوره ابتدایی*، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۴.
۲۳. شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۹۹)، *راهنمایی و مشاوره کودک*، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. شعاری نژاد، ع.ا. (۱۳۹۷)، *روانشناسی رشد*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۵. شیرزاد کبریا، ب. (۱۴۰۲)، *نقش مدارس امن در هزاره سوم*، تهران: نشر سفید اردهال.
۲۶. طارمیان، فرهاد. (۱۴۰۲)، *مهارت های ساختی: تعاریف و مبنای نظری*، مجله ژرفای تربیت، سال اول، شماره چهارم.
۲۷. طارمیان، فرهاد. ماهجویی، ماهیارو فتحی، طاهر. (۱۴۰۲)، *مهارت های ساختی*، تهران: انتشارات تربیت.
۲۸. علاسوند، فریبا. (۱۴۰۰)، *مهارت های ساختی با رویکرد دینی*. تهران: سروش هدایت.